

An Analysis of the Dimensions of the Zionist Regime's Military Vulnerabilities with Emphasis on the Lack of Strategic Depth

Hossein Yousefi ¹ | Behzad Ghasemi ² | Amad Zare'an ³

¹ PhD Student, Regional Studies, Faculty of International Studies, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran. Email: h.youseffi@gmail.com

² Associate Professor of the History of the Islamic Revolution, Department of Geopolitics of the Axis of Resistance, Faculty of International Studies, Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran.

³ Assistant Professor, Faculty of International Studies, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran

Abstract

Since its establishment, the Zionist regime has faced numerous challenges at various levels, including the military sphere, due to its inherent lack of legitimacy. Contrary to the claims of its leaders regarding extensive deterrence capabilities against military threats, the regime suffers from significant vulnerabilities in the military dimension, particularly the absence of strategic depth. Accordingly, this study, using a descriptive and analytical method and utilizing the theoretical framework of the Copenhagen School, it seeks to answer this question: What are the most important dimensions of the Zionist regime's military vulnerability, and what strategies has this regime used to compensate for this structural weakness? The findings of this research indicate that, alongside the crisis of human capital and the weakness of its defense and missile systems, the lack of strategic depth is one of the most prominent weaknesses and military vulnerabilities of the Zionist regime, which has affected its national security and military capabilities. This fundamental weakness has led the regime to consistently fear long-term and attritional wars. Limited territorial size, the shape of the occupied lands, being in a hostile geopolitics at the domestic and regional levels, as well as the decline in the legitimacy of this regime in public opinion at the international level, are among the fundamental challenges for the Zionist regime in the field of strategic depth. Nevertheless, the Zionists attempt to overcome these weaknesses by adopting various measures, such as creating artificial strategic depth, normalizing and strengthening relations with regional states, etc.

Keyword: Zionist Regime, Military Vulnerability, Strategic Depth

واکاوی ابعاد آسیب پذیری نظامی رژیم صهیونیستی با تأکید بر فقدان عمق راهبردی

حسین یوسفی^۱ | بهزاد قاسمی^۲ | احمد زارعان^۳

۱۳

سال هفتم

پاییز و زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۵/۰۲

صص: ۳۲۳-۳۹۳

شابا جایی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



DOR:

چکیده

رژیم صهیونیستی از زمان شکل‌گیری تاکنون به دلیل فقدان مشروعیت ذاتی، همواره با چالش‌های متعددی در سطوح مختلف از جمله عرصه نظامی درگیر بوده است. بر خلاف ادعای سران این رژیم مبنی بر برخورداری از توان بازدارندگی گسترده در برابر تهدیدات نظامی، اما رژیم صهیونیستی در بعد نظامی دارای نقاط آسیب‌پذیر بسیاری به ویژه فقدان عمق راهبردی است. از این رو؛ پژوهش حاضر با استفاده از شیوه توصیفی و تحلیلی و بهره‌گیری از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ درصدد پاسخ به این پرسش اساسی است که: مهم‌ترین ابعاد آسیب‌پذیری نظامی رژیم صهیونیستی با تأکید بر فقدان عمق راهبردی کدامند و این رژیم چه راهبردهایی را برای جبران این ضعف ساختاری به کار بسته است؟ یافته‌ها و نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که در کنار بحران سرمایه انسانی و ضعف سیستم پدافندی و موشکی، فقدان عمق راهبردی یکی از بارزترین نقاط ضعف و آسیب‌پذیری نظامی رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود که بر امنیت ملی و توانمندی‌های نظامی آن تأثیرگذار بوده است. وسعت کم، شکل سرزمین (مناطق اشغالی) و قرار گرفتن در یک ژئوپلیتیک متخاصم در سطوح داخلی و منطقه‌ای و همچنین افول مشروعیت این رژیم در افکار عمومی در سطح بین‌المللی، از چالش‌های اساسی رژیم صهیونیستی در زمینه عمق راهبردی است. با این حال؛ صهیونیست‌ها تلاش می‌کنند از طریق اقدامات مختلف مانند ایجاد عمق راهبردی مصنوعی، عادی‌سازی و تقویت روابط با کشورهای منطقه، انجام حملات پیش‌دستانه، کارزار میان جنگ‌ها در منطقه خاکستری و غیره، بر ضعف‌های خود در حوزه عمق راهبردی غلبه کنند.

کلید واژه‌ها: رژیم صهیونیستی، آسیب‌پذیری نظامی، عمق راهبردی.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، مطالعات منطقه‌ای، دانشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران،

ایران Email: h.youseffi@gmail.com

۲. دانشیار تاریخ انقلاب اسلامی، گروه ژئوپلیتیک محور مقاومت، دانشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین(ع)،

تهران، ایران

۳. استادیار، دانشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

۱. مقدمه و بیان مسئله

موقعیت ژئوپلیتیک خاص و شرایط امنیتی پیرامونی، رژیم صهیونیستی را با چالش‌های راهبردی پایداری مواجه ساخته است. یکی از محوری‌ترین این چالش‌ها، محدودیت ذاتی در «عمق راهبردی» است که به عنوان یک عامل ساختاری، توانایی‌ها و انتخاب‌های نظامی این رژیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این پژوهش به واکاوی ابعاد آسیب‌پذیری نظامی ناشی از این محدودیت و راهبردهای جبرانی اتخاذ شده می‌پردازد.

رژیم صهیونیستی در سرزمینی اشغالی، اعلام موجودیت نمود، حتی با وجود تلاش‌های فراوان و حمایت‌های بی‌حد آمریکا و کشورهای غربی، همچنان با گذشته بیش از هفت دهه نتوانسته از ویژگی‌های لازم برای تبدیل شدن به یک دولت یا کشور عادی برخوردار گردد. گذشته از اینکه ملت‌های منطقه و بسیاری از مردم آزادی‌خواه جهان، دولتی به نام رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسند و معتقدند فلسطین متعلق به صاحبان اصلی و عرب این سرزمین است؛ صهیونیست‌ها همواره با چالش‌های متعددی در سطوح مختلف از جمله عرصه نظامی دست و پنجه نرم کرده‌اند. دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی از ابتدا بر محوریت «تضمین بقا» در محیطی که خود را در محاصره تهدیدات می‌بیند، شکل گرفته است. این درک خاص از امنیت که در سخنان بنیانگذاران آن مانند دیوید بن گوریون^۱ نیز متبلور است، منجر به تدوین یک راهبرد امنیتی تهاجمی-پیشدستانه شده است. (Bar, 2024) با این وجود، علیرغم ادعاها در مورد قدرت بازدارندگی، تجربیات میدانی از جنگ ۲۰۰۶ تا درگیری‌های اخیر نشان‌دهنده آسیب‌پذیری‌های عملیاتی و راهبردی این رژیم است.

برخلاف کشورها و دولت‌های عادی جهان که برای حفاظت از مرزها و تمامیت ارضی خود می‌جنگند، رژیم صهیونیستی از حاکمیت طبیعی و رسمی برخوردار نیست و از آنجایی که اساس آن بر اشغالگری، اخراج فلسطینیان و روندهای مهاجرتی یهودیان به سرزمین‌های اشغالی بنا نهاده شده و در واقع نوعی از استعمار اسکانی محسوب می‌شود؛ از این رو، راهبرد امنیت ملی رژیم صهیونیستی از ابتدای شکل‌گیری، بر مبنای جنگ برای بقا شکل گرفته است. از این رو؛ برای ادامه

^۱ David Ben-Gurion

بقای خود و مقابله با تهدیدات موجودیتی ناگزیر به استفاده از روش‌های غیرمعمول هستند و همواره برای مواجهه با شرایط اضطراری و غیرقابل پیش‌بینی در حالت آماده‌باش به سر می‌برند. حتی امنیت نیز برای صهیونیست‌ها مفهومی متفاوت‌تر از سایر مردم جهان دارد. امنیت داخلی یا ملی در تمام کشورهای عادی جهان به معنای توانایی دولت جهت دفاع از کشور و مردم و منافع ملی در برابر تهدیدات است. اما مفهوم امنیت برای صهیونیست‌ها همانطور که دیوید بن گوریون نخست‌وزیر وقت این رژیم گفت، «دفاع از موجودیت» است. (Bar, 2024) بنابراین دکتترین نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی حتی سال‌ها قبل از تشکیل این رژیم توسط سران جنبش صهیونیسم ترسیم شده بود.

با وجود اهمیت موضوع، اغلب تحلیل‌های موجود بر موفقیت‌ها یا ابعاد تهاجمی توان نظامی رژیم صهیونیستی متمرکز بوده و تحلیل نظام‌مند و جامعی از آسیب‌پذیری‌های ساختاری آن، به ویژه در پیوند با عامل تعیین‌کننده «عمق راهبردی»، ارائه نداده‌اند. پژوهش‌های مشابه صورت گرفته که در بخش پیشینه مقاله به صورت مفصل به آنها پرداخته خواهد شد، اگرچه به نقاط ضعف اشاره کرده‌اند؛ اما کمتر پژوهشی بطور بنیادین و با بیان مصادیق عینی و به روز به تأثیر ترکیبی و چندلایه این عامل ژئوپلیتیک بر کلیت امنیت ملی پرداخته‌اند که نشان‌دهنده وجه تمایز این مقاله می‌باشد.

بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از: «مهم‌ترین ابعاد آسیب‌پذیری نظامی رژیم صهیونیستی با تأکید بر فقدان عمق راهبردی کدامند و این رژیم چه راهبردهایی را برای جبران این ضعف ساختاری به کار بسته است؟»

بدون تردید شناخت دقیق و واقع‌بینانه عواملی که ماهیت، امنیت و منافع حیاتی رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کنند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، نقاط ضعف و آسیب‌پذیری نظامی این رژیم است، از اولویت اساسی برخوردار می‌باشند. موضوعی که توسط سران این رژیم به صورت جدی مدنظر قرار گرفته و منجر به اتخاذ تصمیماتی مهم در جهت جبران این عوامل شده است، که نشان از اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع دارد.

در پژوهش حاضر واکاوی تأثیر نقاط ضعف نظامی رژیم صهیونیستی با تأکید بر فقدان عمق راهبردی به عنوان یک مسئله مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش پیش‌رو از حیث هدف

کاربردی است. همچنین با استفاده از رویکرد توصیفی - تحلیلی و بهره گیری از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ درصدد پاسخ به پرسش پژوهش می باشد. داده ها و اطلاعات مورد نیاز نیز به شیوه کتابخانه ای و اسنادی گردآوری شده اند.

۲. چارچوب مفهومی

مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ معمولاً با نام باری بوزان و الی ویور شناخته می شود و تنها رهیافتی است که صرفاً بر مطالعات امنیتی مبتنی بوده و جزو اولین رهیافت هایی به شمار می رود که تلاش کرده تا جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی پایه گذاری نماید (عبداله خانی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). این مکتب، امنیت را از جنبه های گوناگون مورد مطالعه قرار داده است؛ اما بر بعضی جنبه ها بیشتر تمرکز کرده و بعضاً مبتکر طرح های جدیدی نیز بوده است. از دید مکتب کپنهاگ، امنیت مفهوم سستی خود را در وضعیت جدید از دست داده است. در حالی که در گذشته، امنیت در چارچوب الگوی وستفاليا و با ابعاد نظامی نگریسته می شد؛ در دوران پسا جنگ سرد، دچار دگردیسی شده است (بهرامی، عراقچی، ۱۳۹۶: ۱۳۰). امنیت، پیچیده و چند بعدی است که تمام عرصه های مختلف سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را شامل می شود. در این مکتب امنیت را با رهایی از تهدید برابر می دانند و امنیت در نبود مسئله دیگری به نام تهدید درک می شود (عبداله خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

- به نظر بوزان امنیت اجتماعات انسانی، تحت تأثیر عواملی در پنج بخش عمده قرار می گیرد:
- الف) امنیت نظامی به اثر متقابل دو سطحی توانایی های تهاجمی و تدافعی کشورها و برداشت های آنان از نیت همدیگر مربوط می شود.
 - ب) امنیت سیاسی درباره ثبات سازمانی دولت ها، نظام های حکومتی و ایدئولوژی هایی است که به آن ها مشروعیت می بخشد.
 - ج) امنیت اقتصادی پیرامون دسترسی به منابع، سرمایه و پول و بازارهای لازم و ضروری برای حفظ سطوح قابل قبول رفاه و قدرت دولت است.

د) امنیت اجتماعی به پایداری دوام و الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عادات ملی تحت شرایط قابل قبول برای تکامل و تحول مربوط است.

ه) امنیت زیست محیطی مربوط به حفظ و نگهداری زیست بوم محلی و جهانی به عنوان نظام حمایتی ضروری و حیاتی است که تمامی امور خطیر و فعالیت‌های مهم بشر به آن بستگی دارد.

نکته قابل توجه در دیدگاه بوزان این است که این پنج بخش، جدای از یکدیگر عمل نمی‌کنند و به طور اجتناب ناپذیری به هم وابسته هستند و به صورت‌های مختلفی با یکدیگر تداخل دارند (شیهان، ۱۳۸۸: ۶۷).

از این رو؛ بررسی تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی در قالب مکتب کپنهاگ به این دلیل است که با توجه به ابعاد تحولات جدید، رژیم صهیونیستی با تهدیدات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی روبه‌رو است که برای این رژیم تهدید وجودی به شمار می‌آید و در واقع بقای آن را با خطر نابودی روبه‌رو ساخته است (بهرامی، عراقچی، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

رژیم صهیونیستی از بدو تأسیس در سال ۱۹۴۸، با چالش‌ها و تهدیدات فراوانی مواجه بوده و همیشه یک رژیم نا امن و آسیب‌پذیر باقی مانده است. دولت یهود به علت عدم مشروعیت منطقه‌ای، جمعیت محدود، مرزهای غیر قابل دفاع، منابع طبیعی کم و عدم برخورداری از عمق راهبردی، دکترین نظامی پیشرفته‌ای را طرح‌ریزی کرد؛ اما این دکترین نظامی با صرف هزینه بسیار نتوانسته است امنیت را در سرزمین‌های اشغالی به ارمغان بیاورد (Civcik, 2004: 20-21).

این رژیم در چارچوب واقعیت‌های منطقه‌ای و وجود تهدیدات بالفعل و بالقوه، تضمین امنیت و بقای خود و مقابله با تهدیدات امنیتی را در صدر اولویت‌هایش قرار داده است. احساس ناامنی مبنای شکل‌گیری دکترین امنیت ملی این رژیم بوده است. به طوری که رژیم صهیونیستی با اتخاذ راهبردهای نظامی و اطلاعاتی تلاش کرده است امنیت نظامی را در کالبد راهبرد امنیت ملی خود بگنجاند.

با در نظر گرفتن مطالب مطرح شده در خصوص امنیت، باید گفت که مکتب کپنهاگ در پی ارائه چارچوبی نوین برای تحلیل امنیت است. از آن حیث که مکتب کپنهاگ، امنیت را در نبود تهدید تعریف می‌کند، و یور نیز امور امنیتی را در تناظر با تهدید ارزیابی می‌نماید؛ به گونه‌ای که معتقد است هر موضوع، زمانی در دایره امنیت قرار می‌گیرد که به صورت «تهدید وجودی» جلوه‌گر

شود (بوزان و ویور، ۱۳۸۶). بنابراین؛ در طیف مورد نظر ویور، هرچه از موضوعات غیراساسی به سمت موضوعات امنیتی بیشتر حرکت می‌کنیم، تهدید ایجاد شده و فوریت اقدام برای دفع آن تهدید، بیشتر است (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۱-۳۰۳).

در مکتب کپنهاگ از تهدید وجودی به عنوان مفهومی کانونی برای بررسی‌های امنیتی استفاده می‌شود. این مفهوم، ناظر بر تهدیدهایی است که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می‌اندازند و آن را با خطر اضمحلال، تخریب یا آسیب جدی رو به رو می‌کنند (نیکو، ۱۳۹۶).

بر اساس مکتب کپنهاگ هر مسئله‌ای قابلیت امنیتی شدن را دارد، به شرطی که بتواند آن را به نقطه‌ای برساند که در نقش تهدید وجودی پذیرفته گردد. مکتب کپنهاگ بر اساس مفهوم تهدید وجودی، موضوع یا هدف، مرجع امنیت در بخش‌های پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را تعیین می‌کند (بوزان، ۱۳۸۶).

در نهایت به منظور واکاوی ابعاد آسیب‌پذیری نظامی رژیم صهیونیستی با تأکید بر فقدان عمق راهبردی، می‌توان بر اساس چارچوب نظری مکتب کپنهاگ و به دلیل داشتن رویکردی چندلایه و جامع به امنیت ملی، ابعاد آسیب‌پذیری نظامی این رژیم را در بعد نظامی مورد بررسی قرار داد.

عمق راهبردی

عمق راهبردی در مفهوم کلاسیک و جدید خود، اساساً مفهومی است که در حوزه ادبیات مطالعات راهبردی تعریف و تبیین می‌شود. ارتباط این پدیده با حوزه امنیت سازی و امنیت ملی، باعث شده تا در نقطه کانونی توجه سیاست‌گذاران دفاعی و امنیتی قرار گیرد (زمانیان و همکاران، ۱۴۰۲). در خصوص اصطلاح عمق راهبردی، تعاریف و مفاهیم مختلفی عنوان شده است. «ست کروپسی»^۱ در تبیین به کارگیری این مفهوم به منظور بررسی عمق راهبردی رژیم صهیونیستی، آن را ضرورت وجود فاصله فیزیکی بین یک تهدید و آنچه که باید مورد محافظت قرار گیرد، می‌داند (Cropsey, 2014) برخی دیگر از پژوهش‌گران، عمق راهبردی را اصطلاحی مربوط به بازدارندگی کلاسیک می‌دانند که به قابلیت‌های یک کشور در تاب آوردن و ایستادگی در برابر تجاوز خارجی اشاره می‌کند که آن هم با بهره‌گیری از وسعت جغرافیایی آن کشور و نیز فاصله مراکز حیاتی و ارزشمند آن با مرزهای جغرافیایی و محل منازعه صورت می‌گیرد. (Freedman, 2017: 403)

^۱ Cropsey

«هارکاوی»^۱ تعریف دقیق تری از عمق راهبردی ارائه نموده است و آن را فاصله بین خطوط مقدم و مناطق جنگی با مناطق عمده صنعتی، پایتخت و شهرهای بزرگ، مناطق مهم و مرکزی و یا هارتلند و سایر مراکز اصلی جمعیتی و نیز مراکز تولید نظامی می‌داند. وی در تحلیل اهمیت عمق راهبردی سؤالی مطرح می‌کند با این مضمون که میزان آسیب‌پذیری ظرفیت‌های جغرافیایی-نظامی و سایر مواضع و منافع حیاتی کشور در مقابل هر نوع حمله سریع، پیش‌دستانه و تهاجم یا تک‌روشنمند چقدر است؟ به عبارت دیگر دولت مورد نظر به چه میزان از این عناصر تشکیل‌دهنده عمق راهبردی برخوردار است و یا می‌تواند ایجاد و تقویت نماید؟ در مقابل این سوال، هارکاوی از منظر دیگر پرسشی متفاوت مطرح می‌کند مبنی بر این که آیا جغرافیای نظامی یک کشور به آن اجازه می‌دهد تا در مقابل یک حمله به قلمروی خود عقب‌نشینی کرده و تهاجم اولیه را دفع نماید و باعث گردد که در حمله بعدی، مهاجم به کمترین اهداف مورد نظرش دست پیدا کند و مانع از ضربه زدن آن به منابع اصلی قدرتش گردد؟ از نظر هارکاوی این امر نمودی از داد و ستد یا مبادله بین فضا و زمان است (Harkavy, 2001: 47).

ایجاد پایگاه‌های نظامی؛ اعم از اصلی و نیابتی در نزدیکی قلمرو جغرافیایی کشور متخاصم، می‌تواند عمق راهبردی کشور دارنده آن پایگاه‌ها را افزایش دهد و در مقابل، عمق راهبردی کشور متخاصم را تضعیف نماید. عمق راهبردی، عاملی مهم در ایجاد توازن قدرت در منازعات بین کشورها بوده است؛ زیرا عمق راهبردی و افزایش نفوذ منطقه‌ای رابطه تنگاتنگی با افزایش، تفوق و توازن قدرت دارد. (Harkavy, 2001: 48) پس بر این اساس، یکی از ابزارهایی که دولت‌ها برابر اعلام نواقع گرایان برای موازنه مقابل قدرت و البته تهدید دشمنان خویش استفاده می‌کنند، اتحاد است؛ یعنی ترتیبات امنیتی که رژیم صهیونیستی جهت تعمیق عمق راهبردی خویش در خاورمیانه از آن استفاده نموده که می‌توان به پیمان‌های کمپ دیوید و آبراهام و همچنین طرح عادی سازی روابط با کشورهای عربی اشاره کرد. بر خوررداری یک دولت از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عمق راهبردی، آسیب‌پذیری آن را در مقابل هرگونه تهاجم و حمله نظامی کاهش می‌دهد. در رابطه با موضوع عمق راهبردی یک اصل کلی وجود دارد که عنوان می‌کند: هر چه عمق راهبردی یک کشور بیشتر باشد، آسیب‌پذیری آن در برابر تهاجمات دشمن کمتر خواهد بود.

^۱ Harkavy

عمق راهبردی بنا به دلایل زیر از اهمیتی حیاتی برخوردار است:

- **افزایش قدرت بازدارندگی:** عمق راهبردی، قدرت بازدارندگی یک کشور را در برابر تهاجمات دشمن افزایش می‌دهد. چرا که دشمن برای اشغال کامل کشور و رسیدن به مراکز حیاتی آن باید مسافت زیادی را طی کند و با چالش‌های متعددی روبرو شود. این امر می‌تواند دشمن را از حمله به کشور منصرف نماید.
- **ایجاد فرصت برای دفاع:** عمق راهبردی، به یک کشور فرصت می‌دهد تا در صورت وقوع حمله، از خود دفاع کند. چرا که با وجود فاصله زیاد بین خط مقدم جبهه و مراکز حیاتی، کشور می‌تواند نیروهای خود را بسیج کند و به سازماندهی برای دفاع بپردازد.
- **کاهش تلفات و خسارات:** عمق راهبردی، می‌تواند به کاهش تلفات و خسارات ناشی از جنگ کمک کند. چرا که با دور شدن مراکز حیاتی از خط مقدم جبهه، احتمال آسیب دیدن آنها در اثر حملات دشمن کاهش می‌یابد (Schaldow, 2025).

۳. پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت نظری و کاربردی موضوع آسیب‌پذیری نظامی رژیم صهیونیستی، پژوهش‌های داخلی و خارجی در این خصوص صورت گرفته است که عمدتاً فقدان عمق راهبردی را به عنوان نقطه ضعف ساختاری این رژیم مطرح می‌نمایند که برخی از آنها به شرح زیر می‌باشد:

(۱) مهران آتش جامه (۲۰۲۵)، در مقاله «تنش ایران و اسرائیل: رقابت دور برد، راهبردها، ابزارها و تلاش برای نفوذ در عمق راهبردی رقیب»^۱ که به زبان انگلیسی در مرکز مطالعات اروپای جدید کشور لهستان منتشر شده به روابط ایران و رژیم صهیونیستی، در چارچوب یک رقابت دور برد و فرامنطقه‌ای می‌پردازد که تمرکز اصلی بر نفوذ و راهبردهای کاهش عمق راهبردی در مقابل توانمندی‌های رقیب است. نویسنده معتقد است که رژیم صهیونیستی با قرار گرفتن در یک فضای جغرافیایی کوچک و فشرده، از عمق راهبردی محدودی برخوردار بوده و از این منظر بسیار آسیب‌پذیر است. این فقدان عمق راهبردی موجب شده تا رژیم صهیونیستی برای جبران ضعف

^۱ Iran-Israel Conflict Long-Distance Rivalry, Strategies, Toolkits, and Struggle for Penetrating Rival's Strategic Depth

ساختاری خود، بر روش‌هایی چون عملیات پیش‌دستانه، حملات سایبری و تکیه بر اطلاعات گسترده متکی شود.

(۲) آندرس اکهولم^۱ (۲۰۲۴)، در مقاله «نواغ جنگ در عمق: عرصه‌های عملیاتی اسرائیل و درس‌هایی از بُعد عمق راهبردی»^۲ که در نشریه مطالعات دفاعی مرکز روتلج^۳ انگلیس منتشر شده، به بررسی محدودیت‌های ژئوپلیتیکی و فقدان عمق راهبردی رژیم صهیونیستی می‌پردازد و نشان می‌دهد که این رژیم به دلیل کوچکی سرزمین و تراکم جمعیتی، از ضعف بنیادین در ایجاد عمق راهبردی رنج می‌برد. نویسنده با تحلیل عملیات‌های نظامی و تجربیات رژیم صهیونیستی در مواجهه با حزب‌الله لبنان و دیگر تهدیدات منطقه‌ای، تأکید می‌کند که فقدان عمق راهبردی موجب شده تا تل‌آویو به توسعه مؤلفه‌های غیرملموس همچون اثرگذاری شناختی^۴، توانایی عملیات پیش‌دستانه و انعطاف‌پذیری اطلاعاتی متوسل شود. اما این راهبردها نمی‌توانند جایگزین عمق راهبردی واقعی شوند.

(۳) علی باقری دولت‌آبادی و احسان جعفری‌فر (۱۴۰۲)، در مقاله «روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان در پرتو مفهوم عمق استراتژیک» با رویکرد تحلیلی، تعاملات دو طرف را از منظر ژئوپلیتیک بررسی می‌کنند. نویسندگان بر این باورند که یکی از مهم‌ترین محرک‌های تل‌آویو برای گسترش روابط با باکو، جبران فقدان عمق راهبردی خود است. رژیم صهیونیستی به دلیل محدودیت جغرافیایی، تراکم جمعیتی و فقدان فضای مانور نظامی در سرزمین‌های اشغالی، به‌طور تاریخی از ضعف بنیادین در برابر تهدیدات منطقه‌ای رنج می‌برد. در این چارچوب، نزدیکی به جمهوری آذربایجان به‌عنوان کشوری هم‌مرز با ایران و دارای موقعیت ژئوپلیتیک مهم در حوزه قفقاز، فرصتی برای تل‌آویو محسوب می‌شود تا بخشی از این خلاء جغرافیایی را با ایجاد جای پای امنیتی و اطلاعاتی جبران نماید.

(۴) علی صادقی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله «تنگناها و چالش‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی»، رژیم صهیونیستی را به‌عنوان واحدی سیاسی - امنیتی معرفی می‌کنند که همواره

^۱ Anders Ekholm

^۲ Wizards of depth – Israel's area of operations and lessons learned from its depth dimension

^۳ Routledge

^۴ Cognitive Effects

با محدودیت‌های جدی ژئوپلیتیکی مواجه بوده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های راهبردی این رژیم، فقدان عمق راهبردی در سرزمین‌های اشغالی است. این محدودیت جغرافیایی باعث شده که اسرائیل در برابر تهدیدات نظامی و امنیتی، آسیب‌پذیری بالایی داشته باشد. پهنای اندک سرزمینی، تمرکز جمعیتی و فاصله کم مراکز حیاتی از مرزها، شرایطی را رقم زده که حتی حملات محدود نیز می‌تواند ساختار امنیتی و اقتصادی رژیم را به سرعت متأثر سازد. بر همین اساس، مقامات اسرائیلی همواره بر برتری نظامی، سیاست بازدارندگی و ائتلاف‌های بین‌المللی تکیه کرده‌اند تا این خلاء ژئوپلیتیکی را جبران نمایند.

۵) ژنرال گادی ایزنگوت^۱ و گابی سیبونی^۲ (۲۰۱۹)، در مقاله «رهنمودهایی برای راهبرد امنیت ملی اسرائیل»^۳ که توسط مرکز مطالعات و اشنگتن منتشر گردیده، به‌عنوان یک سند راهبردی جامع، به تحلیل تهدیدات کنونی رژیم صهیونیستی و ارائه اصولی برای مقابله با آن‌ها می‌پردازند. در این مقاله، مفهوم عمق راهبردی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی امنیت ملی رژیم صهیونیستی مطرح شده است. نویسندگان استدلال می‌کنند که فقدان عمق جغرافیایی و سرزمینی، رژیم صهیونیستی را در برابر تهدیدات منطقه‌ای آسیب‌پذیر می‌سازد. بنابراین، باید این خلاء از طریق تقویت توانمندی‌های نظامی، اطلاعاتی و سایبری و همچنین ایجاد روابط راهبردی با کشورهای هم‌پیمان جبران شود.

۶) حمید نیکو و مرتضی سویلی (۱۳۹۶)، در مقاله «جایگاه برنامه هسته‌ای ایران در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی» با تحلیل تهدیدات ناشی از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد که چرا این موضوع در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی جایگاهی محوری دارد. نویسندگان استدلال می‌کنند که رژیم صهیونیستی به دلیل محدودیت‌های ژئوپلیتیکی و فقدان عمق راهبردی، نسبت به تهدیدات منطقه‌ای به‌ویژه از سوی ایران، آسیب‌پذیری مضاعف دارد. فقدان عمق سرزمینی سبب شده است که حتی احتمال دستیابی ایران به توانمندی هسته‌ای، به‌منزله تهدیدی وجودی برای این رژیم تفسیر شود؛ چرا که در صورت وقوع درگیری، مراکز حیاتی و جمعیتی رژیم صهیونیستی در کوتاه‌ترین زمان در معرض آسیب قرار می‌گیرند.

^۱ Gadi Eisenkot

^۲ Gabi Siboni

^۳ Guidelines for Israel's National Security Strategy

همانطور که عنوان گردید، پژوهش‌هایی هرچند محدود در خصوص آسیب‌پذیری نظامی رژیم صهیونیستی با تمرکز بر فقدان عمق راهبردی این رژیم به نگارش درآمده است؛ اما غالباً با نگاهی کلی به این مقوله پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به طور بنیادین، ساختاری و تحلیلی به تأثیر ترکیبی و چندلایه این عامل ژئوپلیتیک بر کلیت امنیت ملی رژیم صهیونیستی پرداخته است که نشان دهنده وجه تمایز این مقاله می‌باشد. پژوهش حاضر به طور نظری و گفتمانی و همچنین مصادیق عینی و به روز، به ابعاد آسیب‌پذیری نظامی این رژیم با تأکید بر فقدان عمق راهبردی می‌پردازد.

۴. یافته‌های پژوهش:

نظام آسیب‌پذیری‌های نظامی و راهبردهای جبرانی رژیم صهیونیستی

با اتکاء به چارچوب مفهومی ارائه شده، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد آسیب‌پذیری نظامی رژیم صهیونیستی یک پدیده سیستمی و چند سطحی است که ریشه در محدودیت بنیادین جغرافیایی (فقدان عمق راهبردی) دارد و در سطوح عملیاتی - نیروی انسانی، اجتماعی - هویتی و سیاسی - بین‌المللی تشدید می‌شود. در مقابل، راهبرد امنیتی این رژیم نیز ترکیبی از کنش‌های جبرانی چندبعدی است که در ادامه به تحلیل آنها می‌پردازیم.

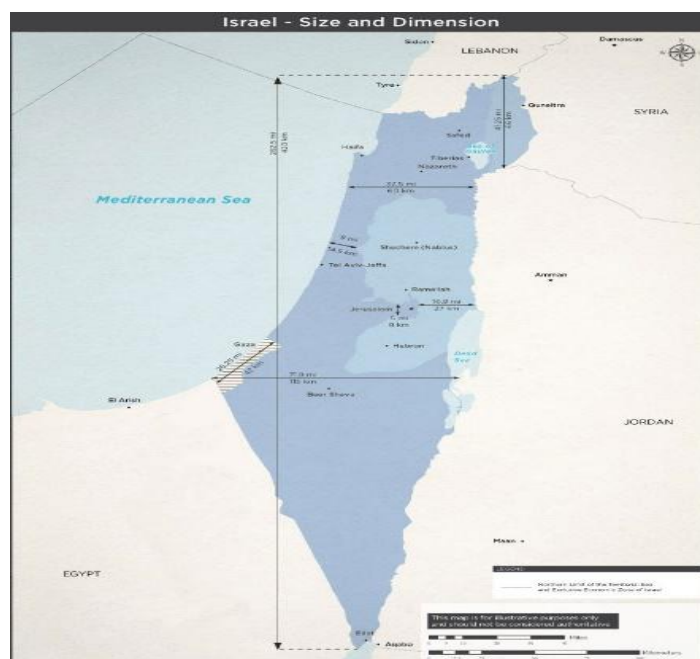
۴-۱. تحلیل ابعاد آسیب‌پذیری نظامی

۴-۱-۱. فقدان عمق راهبردی

الف) فقدان عمق راهبردی جغرافیایی: آسیب‌پذیری بنیادین

یکی از چالش‌هایی که صهیونیست‌ها از زمان تأسیس این رژیم در سال ۱۹۴۸ همواره نگران آن بوده‌اند، معضل جغرافیایی و فقدان عمق راهبردی می‌باشد. مرزهای به رسمیت شناخته شده بین‌المللی رژیم صهیونیستی از شمالی‌ترین تا جنوبی‌ترین نقطه حدود ۴۲۰ کیلومتر، در عرض‌ترین نقطه ۱۱۵ کیلومتر و در باریک‌ترین بخش این رژیم حدود ۱۴/۵ کیلومتر می‌باشد. از نظر ژئوپلیتیکی، صهیونیست‌ها رژیم جعلی خود را در منطقه‌ای بنا نهاده‌اند که در محاصره کشورهای عربی و مسلمان می‌باشد. از شمال با لبنان، از شمال شرق با سوریه، از شرق با اردن و کرانه باختری، از جنوب با مصر و از غرب با دریای مدیترانه هم‌مرز است. این رژیم از نظر وسعت، در رتبه چهارم و ششم جهان قرار دارد. مساحت آن حدود ۲۲/۱۴۵ کیلومتر مربع است که ۲۱/۶۷۱ کیلومتر مربع

آن خشکی می‌باشد. (Gov.il, 2021) با توجه به وسعت کم برخی از مناطق سرزمین‌های اشغالی، در صورت وقوع جنگ احتمالی با محور مقاومت و ورود نیروهای زمینی و تحت کنترل درآوردن مناطق مذکور، عملاً شمال و جنوب رژیم صهیونیستی از هم جدا خواهند شد.



نقشه شماره ۱: نقشه سرزمین‌های اشغال شده فلسطین توسط رژیم صهیونیستی (Gov.il, 2021)

در رابطه با اهمیت عمق راهبردی همانطور که در بخش مبانی نظری پژوهش حاضر مطرح گردید، باید متذکر شد؛ هر کشوری که از عمق راهبردی برخوردار باشد هنگام جنگ، خطر کمتری متوجه جبهه داخلی آن می‌شود. هرچه فاصله بین مرزها و مواضع اصلی داخلی یک کشور بیشتر باشد به این معناست که عمق راهبردی آن کشور زیاد بوده و راحت‌تر می‌تواند هنگام وقوع جنگ، امنیت داخلی خود را تأمین نماید. (Harkavy, 2001) با این تفاسیر؛ رژیم صهیونیستی با توجه به فقدان عمق راهبردی خود، با چالش‌ها و تهدیدات دائمی بسیاری مواجه است؛ چراکه تمرکز جمعیتی، صنعتی، زیرساخت‌های نظامی و تجاری این رژیم عموماً در مناطق مرزی و بویژه

در نوار ساحلی متمرکز بوده و به آسانی در دسترس تهدیدات خارجی قرار دارند. به عنوان نمونه ۹۸٪ صادرات و واردات رژیم صهیونیستی از طریق دریا صورت می گیرد و بیشترین سهم در این پروسه از آن بندر حیفا است. بندر حیفا یکی از مهم ترین و حیاتی ترین بنادر اقتصادی رژیم صهیونیستی است که در سواحل شمالی فلسطین اشغالی در دریای مدیترانه قرار دارد و حدود ۳۵٪ تجارت بین المللی این رژیم از این بندر صورت می گیرد. (Haifa Port, 2024) طبق گزارش های منابع صهیونیستی، حمله موشکی دقیق و سنگین ایران در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۲۵ به پالایشگاه بازان در حیفا، موجب آتش سوزی های مهیب در واحد تولید برق، خطوط لوله اصلی و تانکرهای نفتی این پالایشگاه حیاتی و نهایتاً تعطیلی کامل و وارد آمدن خسارات گسترده به تأسیسات آن شد. این پالایشگاه که ظرفیت پردازش روزانه حدود ۱۹۷ هزار بشکه نفت خام را دارد، بیش از نیمی از نیاز بنزین، گازوئیل، سوخت جت و گاز خانگی رژیم صهیونیستی را تأمین می کرد. (Israel Hayom, 2025) در رابطه با فقدان عمق راهبردی رژیم صهیونیستی، حتی می توان به ترکیب جمعیتی نامتجانس عرب های ۴۸ و یهودیان شهرک نشین در کرانه باختری، به ویژه در «منطقه ج» و تهدیدات امنیتی دائمی که صهیونیست ها را با چالش مواجه می کند، اشاره نمود. از جمله مهم ترین تهدیدات مذکور، حملات شهادت طلبانه فلسطینیان در اراضی اشغالی می باشد. عرب های ۴۸، گروه پر شماری از مردم فلسطین هستند که در سال ۱۹۴۸، پس از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی؛ برخلاف بسیاری از مردم فلسطین، در همان محدوده ای که اسرائیل نام گرفت، باقی ماندند و حاضر نشدند محل زندگی شان را ترک کنند. آنها حدود ۲۱٪ از جمعیت رژیم صهیونیستی را تشکیل می دهند و در واقع بزرگ ترین اقلیت نژادی در این رژیم به حساب می آیند. (Robinson, 2023)

ب) فقدان عمق راهبردی داخلی: آسیب پذیری در سطح اجتماعی-هویتی

یکی از مهم ترین ابعاد آسیب پذیری رژیم صهیونیستی که در واقع یک تهدید داخلی و عامل تضعیف تاب آوری ملی محسوب می شود، شکاف های عمیق اجتماعی می باشد که در این نوشتار از آن به عنوان فقدان عمق راهبردی داخلی یاد می شود. برخورداری از جامعه ای چندپاره و وجود بحران هویت در این رژیم، چالشی اساسی محسوب می شود. جامعه این رژیم از شکاف های عمیق دینی-مذهبی، قومی-نژادی و سیاسی رنج می برد. اختلافات بین گروه های مختلف صهیونیستی به ویژه سکولارها و حریدی ها، یهودیان اشکنازی و سفاردی و به طور خاص تنش با شهروندان

عرب ۴۸، یکپارچگی داخلی این رژیم را تضعیف کرده و آن را در برابر فشارهای خارجی آسیب پذیرتر می سازد. چراکه؛ پایدارترین پایه های عمق راهبردی، انسجام داخلی و هویت جمعی مشترک می باشد و این دقیقاً همان جایی ست که رژیم صهیونیستی با بحران های جدی مواجه است (حسینی، ۱۴۰۳).

یک کشور با شکاف های عمیق داخلی، در مواجهه با تهدیدات خارجی ضعیف تر و آسیب پذیرتر است. وفاداری تمامی شهروندانش تضمین شده نیست و امکان بروز درگیری های داخلی در حین جنگ وجود دارد. بحران های اجتماعی جامعه صهیونیستی طی سال های اخیر تشدید شده و تجلی خشونت آمیزتری به خود گرفته است. این بحران به رادیکالیزه شدن گفتمان و از بین رفتن اعتماد عمومی به نهادهای دولتی دامن می زند. در نتیجه به تاب آوری اجتماعی که بر پایه انسجام، اعتماد اجتماعی و حکومت عادلانه و مؤثر استوار است، آسیب مستقیم می رساند. آسیب به تاب آوری اجتماعی به معنای آسیب رساندن به امنیت ملی با توجه به بحران های داخلی و خارجی است (Hayman, et al, 2023: p70). بنابراین، بعد هویتی و جمعیتی را می توان شرط لازم برای دستیابی به عمق راهبردی داخلی دانست.

ج) فقدان عمق راهبردی منطقه ای و فرامنطقه ای: آسیب پذیری در سطح

سیاسی و بین المللی

رژیم صهیونیستی به دلیل ماهیت مهاجرستازانه و سیاست های تبعیض آمیز خود علیه فلسطینیان، مقبولیت و مشروعیت خود را در نزد کشورهای همسایه از دست داده و به کانون اصلی بی ثباتی و خشم مردمی در منطقه تبدیل شده است. توافق های عادی سازی روابط با برخی حکومت های عربی منطقه از جمله؛ امارات و بحرین نیز به دلیل عدم همراهی افکار عمومی این کشورها، از عمق و ثبات لازم برخوردار نیست (Kassin & Pollock, 2022). از طرف دیگر؛ رژیم صهیونیستی از ابتدای شکل گیری تاکنون، در منطقه غرب آسیا همواره درگیر جنگ بوده است (جباریان، ۱۴۰۳) که منجر به تضعیف عمق راهبردی این رژیم در سطح منطقه ای شده است. در این میان نقش محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی نیز در تشدید و عینیت بخشیدن به فقدان عمق راهبردی رژیم صهیونیستی، بسیار حائز اهمیت بوده است. محور مقاومت، به عنوان یک شبکه راهبردی متحد و غیرمتمرکز، با ایجاد «عمق راهبردی معکوس» برای رژیم صهیونیستی، پایه های وجودی آن را در

منطقه به چالش کشیده است. این رژیم از انحصار قدرت نظامی و اطلاعاتی نسبی برخوردار بود و می‌توانست با انجام عملیات‌های محدود و بدون ترس از اقدامات تلافی جویانه جدی، امنیت خود را تأمین و بازدارندگی یک‌طرفه ایجاد نماید (Mikaelian, 2010). اما محور مقاومت با توسعه قابلیت‌های خود از جمله، توان موشکی در میان متحدانش (انصارالله یمن، حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی در غزه و گروه‌های مقاومت در عراق و سوریه)، بازدارندگی متقابل در برابر رژیم صهیونیستی ایجاد کرده است (Bajoghli, & Nasr, 2024). رژیم صهیونیستی همواره در پی ایجاد یک حلقه ایمن از کشورهای دوست یا ضعیف در اطراف خود بوده؛ اما محور مقاومت چنین معادله‌ای را تغییر داده و این رژیم را در یک محاصره راهبردی قرار داده که دقیقاً نقطه مقابل عمق راهبردی به حساب می‌آید.

در رابطه با فقدان عمق راهبردی بین‌المللی رژیم صهیونیستی نیز باید خاطر نشان کرد که طی چند دهه اخیر، تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه شاهد پدیده‌ای قابل تأمل تحت عنوان «تغییر در ادراک جهانی از رژیم صهیونیستی» بوده است. رژیمی که در بدو تأسیس، توسط قدرت‌های غربی به عنوان دولتی پیشرو و دموکراتیک در منطقه معرفی می‌شد، امروزه با چالش فزاینده‌ای افول جایگاه و کاهش مشروعیت و مقبولیت در عرصه افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی مواجه است. شالوده این افول را می‌توان در تداوم سیاست‌های مبتنی بر جنایت، اشغال‌گری، توسعه شهرک‌های غیرقانونی، نقض سیستماتیک حقوق بشر فلسطینیان و اجرای قوانین تبعیض‌آمیز جستجو کرد. جنایت‌های اخیر رژیم صهیونیستی که با هدف نسل‌کشی و کوچ اجباری در غزه صورت گرفته نیز با واکنش‌های شدید توسط مردم جهان و نهادهای حقوق بشری همراه بوده که نقش بسزایی در تغییر نگرش جوامع بین‌المللی ایفا کرده است. بر اساس افکارسنجی صورت گرفته توسط مؤسسه «گالوپ»^۱، حدود ۶۰٪ از مردم آمریکا مخالف اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی در غزه هستند. این در حالی است که میزان مخالفت آنها در سال ۲۰۲۳ و پس از عملیات طوفان الاقصی توسط حماس، ۴۵٪ بوده است. همچنین میزان عدم محبوبیت بنیامین نتانیاهو در میان مردم آمریکا حدود ۵۲٪ اعلام شده که این درصد از نارضایتی از سال ۱۹۹۷ تاکنون بی‌سابقه بوده است (Gallup, 2025). طبق آمار به دست آمده از افکارسنجی دیگری که توسط مؤسسه «یوگاو»^۲

^۱ Gallup^۲ YouGov

انگلستان در شش کشور اروپایی شامل انگلیس، آلمان، فرانسه، دانمارک، ایتالیا و اسپانیا انجام شده، نشان می‌دهد که حمایت از رژیم صهیونیستی به پایین‌ترین حد تاریخی خود رسیده است؛ بین ۶۳٪ تا ۷۰٪ مردم این کشورها دیدگاهی منفی نسبت به این رژیم و جنایت‌های آن در غزه دارند (YouGov, 2025).

در ادامه افول مقبولیت رژیم صهیونیستی می‌توان به چرخش مواضع اتحادیه اروپا نسبت به رژیم صهیونیستی و پیشنهاد برای محدود کردن روابط تجاری با این رژیم، تعلیق توافق کاهش تعرفه‌های کالاهای وارداتی از این رژیم به اتحادیه اروپا، تعلیق ۲۰ میلیون یورو از کمک‌های مالی این اتحادیه و همچنین تحریم «ایتامار بن گور»^۱ و «بتسالل اسموتریچ»^۲، دو تن از وزرای راست‌گرای افراطی نتانیاهو و ممنوعیت صدور ویزا برای آنها اشاره نمود (یورونیوز، ۲۰۲۵). از دیگر مصادیق شکاف میان جوامع غربی با رژیم صهیونیستی، موج جدید به رسمیت شناختن کشور فلسطین توسط شمار زیادی از کشورهای اروپایی در مجمع عمومی سازمان ملل می‌باشد. پس از گذشت حدود دو سال از تجاوز وحشیانه رژیم صهیونیستی به نوار غزه، اکنون اکثریت کشورهای اروپایی کشور فلسطین را به رسمیت می‌شناسند. این اقدام دیپلماتیک که با اعلام رسمی فرانسه، انگلیس، کانادا، استرالیا، پرتغال، بلژیک، لوکزامبورگ، مالت و چند کشور دیگر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک همراه بود، نشان‌دهنده تغییر چشمگیر در موضع‌گیری‌های بین‌المللی است و بر این اساس، ۱۵۱ کشور از ۱۹۳ عضو سازمان ملل، اکنون کشور فلسطین را به رسمیت می‌شناسند (دویچه وله، ۲۰۲۵).

۲-۱-۴. آسیب‌پذیری در سطح عملیاتی و نیروی انسانی

الف) بحران سرمایه انسانی

اگرچه رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس تاکنون همواره در معرض تهدیدات امنیتی و نظامی بوده و از بودجه دفاعی سالانه‌ای معادل ۳۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برخوردار می‌باشد؛ اما ارتش این رژیم دارای نقاط ضعف و مشکلات بسیاری از جمله؛ بحران سرمایه انسانی است. ارتش رژیم صهیونیستی در رتبه‌بندی قدرت‌های نظامی در جایگاه پانزدهم در بین ۱۴۵ کشور جهان قرار دارد. (Global Fire Power, 2025)

^۱ Itamar Ben-Gvir

^۲ Bezalel Smotrich

ارتش‌های جهان بر اساس دو ساختار کلی غربی و شرقی ایجاد شده‌اند که ریشه این تقسیم‌بندی به جنگ سرد و تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب باز می‌گردد. در نیمه دوم قرن بیستم، کشورهای عضو بلوک شرق، ارتش‌هایی مانند ارتش شوروی داشتند و کشورهای عضو بلوک غرب، از ارتش‌هایی همچون ارتش آمریکا برخوردار بودند. ارتش‌های شرقی دارای ساختار موشکی قدرتمند، نیروی زمینی و استعداد نیروی انسانی قوی و برخوردار از تانک‌ها و خودروهای زرهی بسیار هستند؛ اما نیروی هوایی قدرتمندی ندارند و به جای تمرکز بر جنگنده‌ها، بر توان موشک‌های بالستیک خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. از سوی دیگر، ارتش‌های غربی، دارای نیروی هوایی قدرتمند و برخوردار از هواپیماها و جت‌های بسیار هستند و به جای سرمایه‌گذاری بر توان موشکی، متکی بر قدرت هوایی خود هستند (Schmitt, 2020).

ارتش رژیم صهیونیستی نیز ساختاری غربی داشته و از نیروی هوایی قدرتمندی برخوردار می‌باشد و بر اساس ساختار نظامی انگلیس، فرانسه و آمریکا ایجاد شده است. با اینکه ساختار ارتش رژیم صهیونیستی، بر اساس مدل غربی است؛ اما از توان زرهی و توپخانه‌ای قدرتمندی نیز برخوردار است. با این وجود، نیروی زمینی رژیم صهیونیستی در برخی زمینه‌ها دچار مشکل است. اگرچه خدمت سربازی در این رژیم برای مردان و زنان اجباری می‌باشد؛ اما همچنان، تعداد پرسنل نیروی زمینی این رژیم اندک است. رژیم صهیونیستی با حدود ۹ میلیون جمعیت، ۶۷۰ هزار نیروی نظامی دارد که از این تعداد ۱۷۰ هزار نیروی نظامی فعال، ۴۶۵ هزار نیروی ذخیره و ۳۵ هزار نیروی شبه نظامی می‌باشند (War Power Israel, 2025). در واقع بخش اعظمی از نیروی انسانی ارتش این رژیم به نیروهای ذخیره اختصاص دارد که غالباً در فراخوان آن‌ها برای شرکت در جنگ‌ها با مشکل مواجه است. این موضوع نشان می‌دهد اگر رژیم صهیونیستی وارد جنگ زمینی بلند مدت و فرسایشی با کشوری شود، به دلیل محدودیت سرمایه نیروی انسانی، دچار مشکلات بسیاری خواهد شد. بر اساس قانون ارتش رژیم صهیونیستی و تا پیش از تحولات هفت اکتبر طول مدت سربازی برای مردان ۳۲ ماه و برای زنان ۲۴ ماه بود. (IDF, 2024) اما با افزایش درگیری‌های این رژیم در جبهه‌های مختلف جنگ و مواجهه با کمبود نیروی انسانی در پی تلفات روز افزون سربازان صهیونیست، سرانجام کنست در ماه جولای ۲۰۲۴، مدت خدمت اجباری مردان را به ۳۶ ماه

افزایش داد. این قانون به مدت ۵ سال تا ۳۰ ژوئن ۲۰۲۹ اجرا خواهد شد و در صورت عادی شدن شرایط مجدداً به مدت زمان قبل باز خواهد گشت. (Knesset News, 2024)

بر اساس قوانین ارتش رژیم صهیونیستی گروه‌هایی همچون عرب‌ها (به جز دروزی‌ها)، یهودیان خریدی که در مدارس دینی (یشیوا) به مطالعه تورات می‌پردازند و برخی افرادی که مشکلات جسمی و روحی دارند از خدمت سربازی معافند. (IDF, 2024) بنابراین مسئله معافیت سربازی خریدی‌ها و عدم پیوستن آنها به ارتش یکی از اصلی‌ترین درگیری‌های تقابل‌های دو جناح مذهبی و غیرمذهبی در رژیم صهیونیستی است. سکولارها که ملزم به گذراندن خدمت سربازی هستند، عدم حضور خریدی‌ها در فعالیت‌های نظامی را بر نمی‌تابند. این درگیری تاریخی‌های طولانی دارد و هرازگاهی پررنگ می‌شود و علاوه بر کمپین‌های سیاسی به خشونت خیابانی می‌رسد (پاکدامن، ۱۳۹۹: ۵۳).

ب) سامانه‌های پدافندی و رهگیری ناکارآمد

بر خلاف تبلیغات گسترده رژیم صهیونیستی در خصوص برخورداری از سامانه‌های پدافندی و رهگیری چون: گنبد آهنین، پیکان، فلاخن داود و پاتریوت و ایجاد بازدارندگی هوایی تمام عیار در برابر هرگونه تهدیدات موشکی، راکتی، پهپادی و حملات جنگنده‌ها؛ اما در دوران جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با جمهوری اسلامی ایران نه تنها قادر به رهگیری تمامی حملات موشکی ایران نبودند و گاهی دچار اختلال و خودزنی می‌شدند؛ بلکه با تحمیل هزینه‌های چند میلیارد دلاری به دولت رژیم صهیونیستی و همچنین ذخایر محدود موشک‌های رهگیر، عملاً شکنندگی این سامانه‌ها اثبات گردید (Peled, 2025).

بر اساس گزارش موسسه مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی، با وجود حملات این رژیم به پایگاه‌های نظامی و موشکی جمهوری اسلامی، ایران توانست در طول ۱۲ روز جنگ حدود ۵۹۱ موشک به سرزمین‌های اشغالی شلیک نماید که علی‌رغم تلاش سامانه‌های پدافندی رژیم صهیونیستی، بیش از ۵۰ موشک به نقاط حساس این رژیم اصابت کرد (INSS, 2025) از جمله مهم‌ترین مراکزی که مورد هدف موشک‌های ایران قرار گرفتند می‌توان فرودگاه بن‌گوریون، پژوهشکده وایزمن، پالایشگاه نفتی بازان، شرکت تولید سیستم‌های دفاعی رافائل، مجموعه کریا، ستاد اطلاعات امان، ستاد عملیاتی موساد، نیروگاه اشدود، پایگاه هوایی نواتیم و تل‌نوف را نام برد (France 24, 2025).

بنا بر گزارش امیر دهان^۱ رئیس بخش غرامت اداره مالیاتی رژیم صهیونیستی به کنست، در خصوص هزینه‌های تحمیل شده به این رژیم طی جنگ ۱۲ روزه که ناشی از ناکارآمدی سامانه‌های پدافندی در رهگیری حملات موشکی و پهپادی ایران می‌باشد، تقریباً دو برابر مجموع خسارات ناشی از حملات ۷ اکتبر و تمامی حوادثی که پس از آن تاکنون به وقوع پیوسته، است. بر اساس برآوردهای صورت گرفته، خسارت ناشی از حملات موشکی بالستیک ایران در حدود ۵ میلیارد دلار^۲ معادل ۱,۴۷ میلیارد دلار می‌باشد (Times of Israel, 2025).

جدول شماره ۱: سامانه‌های پدافندی رژیم صهیونیستی (CSIS, 2021)

سامانه	توضیحات
گنبد آهنین ^۲	رهگیری موشک‌های کوتاه برد
پاتریوت ^۳	رهگیری موشک‌های بالستیک و هواپیماها
پیکان ^۴	رهگیری موشک‌های بالستیک
فلاخن داود ^۵	رهگیری موشک‌های میان برد، دور برد و کروز

۲-۴. تحلیل راهبردهای جبرانی رژیم صهیونیستی و ارزیابی کارآمدی آنها

۱-۲-۴. عادی سازی و تقویت روابط با کشورهای منطقه

اگرچه عمق راهبردی عمدتاً یک مفهوم نظامی است؛ اما پیامدهای سیاسی و اقتصادی نیز در پی دارد. به عنوان نمونه پیامدهای جنگ یوم کپور^۶ در سال ۱۹۷۳ میان رژیم صهیونیستی با کشورهای عرب منطقه، نمونه‌ای روشن از این مسئله است. این جنگ راه را برای معاهده صلح مصر و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۹ هموار ساخت که طی آن، شبه جزیره سینا به مصر بازگردانده شد. معاهده صلحی که پس از «پیمان کمپ دیوید»^۷ میان قاهره و تل آویو با میانجی‌گری

^۱ Amir Dahan

^۲ Iron Dome

^۳ Patriot

^۴ Arrow

^۵ David's Sling

^۶ Yom Kippur War

^۷ Camp David Accords

واشنگتن به امضا رسيد (صفا تاج، ۱۳۹۱). هر چند ممكن است اين كار متناقض به نظر برسد، اما اقدامي هوشمندانه بود؛ چرا كه به رژيم صهيونيستي اين امتياز را داد تا با يك قدرت نظامي قوي همچون مصر، روابط صلح آميز برقرار نمايد. اين تضمين صلح، عمق راهبردي براي رژيم فراهم كرد كه حتي بيش از خود شبه جزيره سينا اهميت داشت. در همين راستا، اردن در سال ۱۹۹۴ معاهده صلحي با رژيم صهيونيستي امضاء كرد و ساير كشورهاي عربي نيز در روي كرد خود نسبت به اين رژيم تجديد نظر نمودند. اين روند نهايتاً به روابط بيشتر در قالب «پيمان آبراهام»^۱ انجاميد، كه طی آن كشورهاي عربي و مسلمان نظير امارات، سودان، بحرين و مراکش روابط ديپلماتيك با رژيم صهيونيستي برقرار كردند (صفا تاج، ۱۳۹۱). با وجود اينكه برخي از رژيم هاي عربي منطقه يا روابط خود را با تل آويو عادي كرده اند يا تمايل به سازش با آن دارند؛ اما ملت هاي هشيار و آگاه آنها همچنان رژيم صهيونيستي را دشمن واقعي خود مي دانند.

۲-۲-۴. گسترش عمق راهبردي

از ديگر تلاش هاي رژيم صهيونيستي براي جبران فقدان عمق راهبردي خود، به ويژه در تقابل با جمهوري اسلامي ايران؛ مي توان به شكل گيري روابط گسترده تل آويو با باكو در ابعاد گوناگون سياسي، اقتصادي، نظامي، امنيتي و غيره اشاره نمود. نزديكي به جمهوري آذربايجان به عنوان كشوري هم مرز با ايران و داراي موقعيت ژئوپليتيك مهم در حوزه قفقاز، فرصتي براي رژيم صهيونيستي محسوب مي شود تا بخشي از خلاء جغرافيايي خود را با ايجاد جاي پاي امنيتي و اطلاعاتي جبران نمايد (باقري دولت آبادي، ۱۴۰۲). از تازه ترين اقدامات رژيم صهيونيستي جهت تقويت جايگاه منطقه اي و در واقع افزايش عمق راهبردي خود، تلاش براي عملياتي ساختن طرحي تحت عنوان ايجاد «گذرگاه داود»^۲ است. گذرگاهي كه از طريق اشغال جنوب سوريه، استان هاي درعا، سويدا، التنف و ديرالزور ايجاد مي شود و به فرات مي رسد (محمدي، ۱۴۰۳). هدف از اين طرح جنجالي، تغيير نقشه ژئوپليتيكي غرب آسيا به نفع رژيم صهيونيستي و تضعيف نفوذ منطقه اي جمهوري اسلامي و محور مقاومت مي باشد. طرح گذرگاه داود مي تواند جايگاه اين رژيم را به عنوان يك مركز اقتصادي و سياسي در منطقه تقويت نمايد. اما برجسته ترين نمونه از عمق راهبردي سياسي رژيم صهيونيستي را مي توان در روابط اين رژيم با آمريكا دانست؛

^۱ Abraham Accords

^۲ David's Corridor

کشوری که نوعی عمق راهبردی جایگزین را برای رژیم صهیونیستی فراهم می کند که همواره به دنبال آن بوده تا کمبود سرزمینی و منابع مورد نیاز برای مقابله با تهدیدات امنیتی اش را جبران نماید. رژیم صهیونیستی بزرگ ترین دریافت کننده کمک های خارجی آمریکا می باشد. علاوه بر حمایت های دیپلماتیک و مالی گسترده، پیشرفته ترین فناوری های نظامی و اطلاعاتی آمریکا در اختیار رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. حتی پایگاه های نظامی آمریکا در سراسر جهان به ویژه در خاورمیانه نیز بخشی از عمق راهبردی رژیم صهیونیستی محسوب می شوند (Ishfaq, 2023).

در راستای حمایت ها و پشتیبانی نظامی - امنیتی آمریکا از رژیم صهیونیستی در جهت افزایش عمق راهبردی این رژیم می توان به بهره مندی مشترک از ظرفیت «سامانه شناسایی و هجوم»^۱، مستقر در پایگاه های نظامی آمریکا در برخی کشورهای عربی منطقه از جمله؛ قطر و بحرین اشاره نمود. سامانه پدافندی و تهاجمی خودکاری که به محض تشخیص حملات موشکی یا پهپادی، وارد عمل شده و با هدف قرار دادن و منهدم کردن آن ها، تهدیدات را خنثی می نماید. این سامانه، ترکیبی از سیستم هایی با قابلیت های اطلاعاتی، نظارتی، شناسایی، فرماندهی و کنترل و همچنین انجام حملات دقیق با استفاده از انواع موشک ها، پهپادها و تسلیحات پیشرفته است (Friedman, 2022).

این سامانه برای اولین بار توسط روسیه در دهه ۱۹۹۰ با هدف مدرن سازی توان نظامی ابداع گردید. سپس آمریکا با الگو برداری از نمونه روس، اقدام به ایجاد مجموعه ای مشابهی از آن نمود (Grau & Bartlesi, 2018). منابع رژیم صهیونیستی نیز از بهره مندی ارتش این رژیم از سامانه پدافندی مشابهی البته در قیاس محدودتر نسبت به سامانه های آمریکایی و روسی، خبر داده اند. بنابر ادعاهای فرماندهان ارشد نظامی رژیم صهیونیستی، سامانه مذکور مبدأ هر گونه حمله موشکی یا پهپادی به سرزمین های اشغالی را شناسایی و خنثی می کند (Ortal, 2022).

۳-۲-۴. ایجاد عمق راهبردی مصنوعی

رژیم صهیونیستی برخلاف بسیاری از به اصطلاح دشمنان منطقه ای خود، با محدودیت های جغرافیایی شدیدی مواجه است؛ به نحوی که آن را به شدت در برابر حملات خارجی؛ به ویژه حملات موشکی، آسیب پذیر می سازد. مناطق تحت اشغال صهیونیست ها در فلسطین فاقد هر گونه کوه یا ناهمواری طبیعی است و همین مسئله سبب می گردد تا در هر گونه درگیری نظامی، گستره

^۱ Reconnaissance-Strike Complex

وسعی از این مناطق مورد هدف موشک‌ها، راکت‌ها یا پهپادها قرار گیرد. این امر در بسیاری از جنگ‌های این رژیم از جمله جنگ ۱۲ روزه با جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ و عملیات طوفان الاقصی در سال ۲۰۲۳ کاملاً مشهود بود. در جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی با ایران، جمهوری اسلامی با تکیه بر توان موشکی و پهپادی خود موفق شد تا اشراف آفندی قابل ملاحظه‌ای بر بسیاری از مراکز و نقاط راهبردی این رژیم از جمله پالایشگاه‌های نفت و گاز، مقرهای نظامی و امنیتی و غیره داشته باشد؛ به نحوی که سامانه‌های پدافندی آن؛ علی‌رغم تحمیل هزینه‌های میلیارد دلاری، موفق به رهگیری و خنثی نمودن تمام حملات موشکی و پهپادی ایران و ایجاد بازدارندگی کامل نشدند (Peled, 2025). از این رو؛ سران رژیم صهیونیستی در واکنش به این آسیب‌پذیری و با هدف جبران فقدان عمق راهبردی خود، از راهکاری تحت عنوان «عمق راهبردی مصنوعی»^۱ بهره می‌جویند؛ دگرینی نظامی که بر اقدامات پیش‌دستانه، شناسایی زود هنگام تهدیدات و توانایی خنثی‌سازی آن‌ها در فاصله‌ای دورتر از مرزهای خود تأکید دارد. هدف این راهبرد، ساده ولی دشوار است: از بین بردن یا تضعیف شدت هر تهدیدی، پیش از آن که به قلمرو رژیم صهیونیستی برسد (Atashjameh, 2025). در همین راستا؛ رژیم صهیونیستی به منظور ایجاد عمق راهبردی مصنوعی در صدد اجرای طرح‌هایی همچون ایجاد «منطقه حائل» در مثلث مرزی مشترک میان سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی است که در واقع نقشه صهیونیست‌ها برای ایجاد کمربند امنیتی از مزارع شبع تا قنطره می‌باشد و با هدف جلوگیری از هرگونه تحرک نظامی بالقوه از خاک لبنان و سوریه علیه این رژیم، اجرا خواهد شد (Tokmajyan, 2025). منطقه حائل به ارتش رژیم صهیونیستی امکان می‌دهد تا کنترل آتش مستقیم بر مناطق مجاور سوریه و لبنان را در دست داشته باشد و توانایی خود را برای نظارت و مداخله سریع در صورت هرگونه تشدید امنیتی یا نظامی افزایش دهد.

۴-۲-۴. انجام حملات پیش‌دستانه

رژیم صهیونیستی به منظور ایجاد بازدارندگی، به توان هسته‌ای و نیروی هوایی خود متکی است؛ اما در صورتی که بازدارندگی در حال فرسایش باشد، دست به انجام حملات پیش‌دستانه می‌زند. بر همین اساس، رژیم صهیونیستی به‌جای اتخاذ رویکردی تدافعی؛ سیاستی تهاجمی و

^۱ Artificial Strategic Depth

پیش‌دستانه را در نبردها در پیش گرفته است. در نتیجه فقدان عمق راهبردی رژیم صهیونیستی، دیوید بن‌گوریون از سیاست امنیتی حمایت می‌کرد که بر «انتقال نبرد به خاک دشمن» استوار بود (Bar, 2024).

به عنوان نمونه یکی از دستاوردهای تاریخی اتخاذ چنین رویکردی، پیروزی رژیم در جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ علیه مصر، اردن و سوریه می‌باشد. رژیم صهیونیستی با پیش‌دستی، تقریباً تمامی توان هوایی مصر را نابود کرد و برتری هوایی یافت و توانست جنگ را تنها در شش روز خاتمه بخشد (Ishfaq, 2023). رژیم صهیونیستی در پی این پیروزی؛ کرانه باختری، نوار غزه، شبه‌جزیره سینا و بلندی‌های جولان را اشغال نمود که سطحی از عمق راهبردی را برای این رژیم به ارمغان آوردند. در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ نیز، زمانی که سوریه و مصر به مناطق اشغالی جولان و سینا حمله کردند؛ رژیم صهیونیستی توانست حملات اولیه را جذب کرده و سپس با ضد حمله، به پیروزی دیگری دست یابد. با این حال، برخی از سران صهیونیست همچون آریل شارون^۱ با این رویکرد دفاعی موافق نبودند و خواهان بازگشت به موضع تهاجمی رژیم صهیونیستی پیش از سال ۱۹۶۷ بود (Bar, 2024).

وی بر این باور بود که ارتش‌های عربی، با بهره‌گیری از ظرفیت مکانیزه، تحرک بیشتر و دستیابی به تسلیحات دور برد، عمق راهبردی رژیم صهیونیستی را تضعیف کرده‌اند. پس از حمله به لبنان در سال ۱۹۸۲ گرایش به سیاست تهاجمی کاهش یافت؛ اما در سال ۱۹۸۸، پس از استفاده عراق از موشک‌های سطح به سطح و خرید این موشک‌ها توسط عربستان از چین، سیاست مذکور بار دیگر برجسته گردید (Ishfaq, 2023). از دیگر اقدامات پیش‌دستانه رژیم صهیونیستی می‌توان حمله به مجتمع اتمی اوسیراک عراق در سال ۱۹۸۱ و نابودی کامل آن را عنوان نمود (Bergman, 2018). حملات پیش‌دستانه در زمان صلح، به معنای اجرای راهبردهایی چون کارزار میان جنگ‌ها که در واقع ضربه زدن به منافع دشمن در منطقه خاکستری است و در زمان جنگ نیز به معنای حفظ آمادگی بالا برای دستیابی به پیروزی قطعی می‌باشد (Eisenkot & Siboni, 2019).

^۱ Ariel Sharon

۵-۲-۴. کارزار میان جنگ‌ها در منطقه خاکستری

رژیم صهیونیستی این دکترین را به طور مداوم در مواجهه با جمهوری اسلامی و محور مقاومت به کار گرفته است. از دیدگاه مقامات این رژیم، گسترش نفوذ ایران در سوریه، لبنان و غزه صرفاً یک رقابت ایدئولوژیک نیست؛ بلکه تهدیدی واقعی و فزاینده برای امنیت ملی رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید. از این رو؛ رژیم صهیونیستی برای مقابله با چنین تهدیداتی، راهبردی نظامی موسوم به «کارزار میان جنگ‌ها»^۱ را در پیش گرفته است. این راهبرد شامل عملیات‌های مداوم و با شدت کمتر می‌باشد که عمدتاً شامل حملات هوایی و اقدامات خرابکارانه علیه منافع دشمن و با هدف تضعیف توانمندی‌های آن، بدون ورود به یک جنگ تمام‌عیار صورت می‌گیرد (Shelah & Valensi, 2023).

در واقع راهبرد کارزار میان جنگ‌ها، عبارت است از:

الف) اقدامات پنهانی و مخفیانه در تمامی جبهه‌ها و ابعاد در خارج از مرزهای رژیم صهیونیستی؛ این راهبرد مبتنی بر اطلاعات بوده و با هدف آسیب رساندن به برنامه‌ها و ابتکارات دشمن هدایت می‌شود.

ب) اقدامات آشکار به منظور ایجاد بازدارندگی؛ این راهبرد با هدف ایجاد مشروعیت برای اقدامات رژیم صهیونیستی و همزمان تلاش دفاعی مستمر برای صیانت از حاکمیت آن می‌باشد (Belfer Center, 2016).

یکی از میادین انجام چنین راهبردی که طی دهه اخیر توسط رژیم صهیونیستی برای ضربه زدن به منافع جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه بخصوص سوریه بسیار مورد استفاده قرار گرفته، «منطقه خاکستری»^۲ است.

آنچه تحت عنوان منطقه خاکستری شناخته می‌شود، وضعیتی میان جنگ و صلح است. بازیگران دولتی و غیردولتی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، در پی آن هستند تا بدون توسل به عملیات نظامی گسترده و طولانی مدت، طرف مقابل را وادار به پذیرش خواسته‌های خود نمایند. در منازعات منطقه خاکستری، هدف اصلی نه نابودی دشمن و تسلط بر قلمرو تحت اختیار او؛ بلکه پیشبرد منافع و اهداف امنیتی خود در تقابل با رقیب است. بازیگران معمولاً فعالیت‌های منطقه

^۱ Campaign Between Wars (CBW)

^۲ Gray Zone

خاکستری را در کشورها و مناطقی دنبال می‌کنند که خلاءهای اجتماعی و سیاسی، قدرت دولت را تضعیف کرده است. هدف آنان تسلط کامل بر سرزمین و در دست گرفتن انحصار اعمال خشونت است. تحولات سوریه از سال ۲۰۱۱ نمونه بارز این وضعیت به شمار می‌آید. ویژگی بنیادین منازعات منطقه خاکستری، تفاوت برداشت و تفسیر بازیگران نسبت به ماهیت درگیری است. برخی از بازیگران اساساً توافقی بر سر این موضوع ندارند که آیا در وضعیت جنگ قرار دارند یا خیر؛ از همین رو، ارزیابی آنان از اقدامات بازدارنده و همچنین میزان تمایلشان به تشدید تنش و ورود به درگیری مسلحانه، به شدت متفاوت است. این تفاوت ادراک، موجب شکل‌گیری ابهام راهبردی در خصوص میزان احتمال گسترش منازعه به جنگ مستقیم می‌شود؛ هرچند تمام طرف‌ها درصدد اجتناب از عبور از این مرز مبهم و ورود به جنگ آشکار هستند. فعالیت‌های منطقه خاکستری عموماً فراتر از دیپلماسی متعارف و در عین حال پایین‌تر از سطح درگیری نظامی مستقیم قرار می‌گیرند. ابزار این راهبرد شامل عملیات اطلاعاتی و انتشار اطلاعات نادرست، فشار سیاسی، فشار اقتصادی، عملیات سایبری، حمایت از نیروهای نیابتی و غیره است که بازیگران معمولاً این ابزارها را به صورت چند بُعدی و همزمان به کار می‌گیرند. از این منظر، فعالیت‌های منطقه خاکستری زمانی موفق قلمداد می‌شوند که مانع از آن گردند که رقیب بتواند در صحنه منازعه آزادانه عمل نماید، برتری نیروی نظامی یا آتش خود را به نمایش بگذارد، حمایت جمعیت محلی را به دست آورد یا به اهداف خود بدون صرف هزینه‌های هنگفت و بدون آشکار ساختن آسیب‌پذیری‌های راهبردی در سایر مناطق حیاتی نائل شود (Goldenberg, et al. 2020).

۶-۲-۴. افزایش توان اطلاعاتی - عملیاتی

در قلب راهبرد امنیت ملی رژیم صهیونیستی، دستگاه اطلاعاتی این کشور قرار دارد که توانایی ارائه اطلاعات به‌روز و آنی در سراسر منطقه را داراست. این قابلیت به رژیم صهیونیستی امکان می‌دهد تا اقدامات دشمنان خود را رصد کرده، عملیات ترور هدفمند انجام دهد و برنامه‌های آنها را با اقدامات خرابکارانه مختل سازد (Eisenkot & Siboni, 2019). رژیم صهیونیستی همچنین با ایجاد توان عملیاتی لازم برای اعمال قدرت نظامی در عمق منطقه که معمولاً ترکیبی از حملات هوایی و عملیات پنهان می‌باشد، بخشی از فقدان عمق راهبردی خود را جبران کرده است (Wimmen, et al 2024) این اقدامات با هدف جلوگیری از استقرار زیرساخت‌های نظامی

دشمن در نزدیکی مرزهای رژیم صهیونیستی و با تمرکز ویژه بر مهار نفوذ ایران و جلوگیری از گسترش تسلیحات در سوریه و لبنان انجام می‌شوند. (Sampson, 2024)

یافته‌ها حاکی از آن است که راهبردهای جبرانی رژیم صهیونیستی، اگرچه آسیب‌پذیری ذاتی ناشی از فقدان عمق جغرافیایی را به تعویق انداخته و در مواردی مهار کرده‌اند؛ اما نتوانسته‌اند آن را مرتفع سازند. این راهبردها خود منجر به بروز آسیب‌پذیری‌های ثانویه شده‌اند: عادی‌سازی شکننده، افول مشروعیت بین‌المللی، فرسایش بازدارندگی در برابر سلاح‌های نامتقارن و تعمیق شکاف‌های اجتماعی. بنابراین، چرخه معیوب آسیب‌پذیری-واکنش-آسیب‌پذیری جدید، ویژگی اصلی منظومه امنیتی این رژیم به حساب می‌آید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

موقعیت ژئوپلیتیک خاص و شرایط امنیتی پیرامونی، رژیم صهیونیستی را با چالش‌های راهبردی پایداری مواجه ساخته است. یکی از محوری‌ترین این چالش‌ها، محدودیت ذاتی در «عمق راهبردی» است که به عنوان یک عامل ساختاری، توانایی‌ها و انتخاب‌های نظامی این رژیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی از ابتدا بر محوریت «تضمین بقا» در محیطی که خود را در محاصره تهدیدات می‌بیند، شکل گرفته است. این درک خاص از امنیت که در سخنان بنیانگذاران آن مانند دیوید بن گوریون نیز متبلور است، منجر به تدوین یک راهبرد امنیتی تهاجمی-پیش‌دستانه شده است. با این وجود، علیرغم ادعاها در مورد قدرت بازدارندگی، تجربیات میدانی از جنگ ۲۰۰۶ تا درگیری‌های اخیر نشان‌دهنده آسیب‌پذیری‌های عملیاتی و راهبردی این رژیم است. با وجود اهمیت موضوع، اغلب تحلیل‌های موجود بر موفقیت‌ها یا ابعاد تهاجمی توان نظامی رژیم صهیونیستی متمرکز بوده و تحلیل نظام‌مند و جامعی از آسیب‌پذیری‌های ساختاری آن، به ویژه در پیوند با عامل تعیین‌کننده «عمق راهبردی»، ارائه نداده‌اند؛ اما پژوهش حاضر به طور نظری و گفتمانی و همچنین مصادیق عینی و به روز، به ابعاد آسیب‌پذیری نظامی این رژیم با تأکید بر فقدان عمق راهبردی می‌پردازد. بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش عبارت بود از: «مهم‌ترین ابعاد

آسیب‌پذیری نظامی رژیم صهیونیستی با تأکید بر فقدان عمق راهبردی کدامند و این رژیم چه راهبردهایی را برای جبران این ضعف ساختاری به کار بسته است؟»

به منظور پاسخ به پرسش مذکور و همچنین واکاوی ابعاد آسیب‌پذیری نظامی رژیم صهیونیستی، از شیوه تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ، به دلیل داشتن رویکردی چندلایه و جامع به امنیت ملی، ابعاد آسیب‌پذیری نظامی این رژیم را در بعد نظامی مورد بررسی قرار گرفت.

با اتکاء به چارچوب مفهومی ارائه شده، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد آسیب‌پذیری نظامی رژیم صهیونیستی یک پدیده سیستمی و چند سطحی است که ریشه در محدودیت بنیادین جغرافیایی (فقدان عمق راهبردی) دارد و در سطوح عملیاتی - نیروی انسانی، اجتماعی - هویتی و سیاسی - بین‌المللی تشدید می‌شود که بر امنیت ملی و توانمندی‌های نظامی آن تأثیرگذار بوده است. این ضعف بنیادین موجب شده تا صهیونیست‌ها همواره از جنگ‌های بلند مدت و فرسایشی هراس داشته باشند. وسعت کم، شکل سرزمین و قرار گرفتن در یک ژئوپلیتیک متخاصم در سطوح داخلی و منطقه‌ای و همچنین افول مشروعیت این رژیم در افکار عمومی در سطح بین‌المللی، از چالش‌های اساسی رژیم صهیونیستی در زمینه عمق راهبردی است. در مقابل، راهبرد امنیتی این رژیم نیز اتخاذ ترکیبی از کنش‌های جبرانی چندبعدی پرهزینه و پر ریسک، از جمله؛ ایجاد عمق راهبردی مصنوعی، عادی‌سازی و تقویت روابط با کشورهای منطقه، انجام حملات پیش‌دستانه، کارزار میان جنگ‌ها در منطقه خاکستری و غیره، بوده است که علیرغم ایجاد نوعی عمق مصنوعی، آسیب‌پذیری ذاتی آن را به طور کامل مرتفع نکرده است.

در پایان این نوشتار، با توجه به اهمیت شناخت و آشنایی هرچه بیشتر کارشناسان و محققین این حوزه و همچنین ضرورت اتخاذ تصمیمات مناسب و انجام اقدامات مقتضی توسط مراجع ذی‌ربط در رابطه با موضوع مورد بحث پژوهش حاضر، پیشنهاداتی ذکر می‌گردد:

- فقدان عمق راهبردی در واقع پاشنه آشیل رژیم صهیونیستی محسوب می‌گردد که فرصت ارزشمندی در اختیار محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی قرار می‌دهد تا از اهرم فشار نظامی علیه امنیت و منافع این رژیم استفاده نمایند. از این رو؛ درگیر ساختن همزمان رژیم صهیونیستی در جبهه‌های شمالی، شرقی و جنوبی می‌توان خسارات جبران‌ناپذیری به آن وارد نماید؛

- محور مقاومت باید تمرکز خود را معطوف به کشاندن جنگ به جبهه داخلی فلسطین اشغالی نمایند. بدین منظور می توان از ظرفیت کرانه باختری و مسلح نمودن عرب های ۴۸، بهره برداری نمود؛

- انجام عملیات های غافلگیر کننده و نفوذ زمینی محدود با استفاده از تونل ها یا نیروهای ویژه برای نفوذ به مناطق مرزی، مانند آنچه در ۷ اکتبر رخ داد. چنین اقداماتی می توان نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی را به طور دائم درگیر نموده و حس نا امنی مطلق را به جامعه این رژیم القاء نماید که تبعات بسیاری در پی خواهد داشت؛

- با بهره گیری از ابزار رسانه و جنگ تبلیغاتی و همچنین راه اندازی کمپین های بین المللی علیه اقدامات وحشیانه و نسل کشی های رژیم صهیونیستی در غزه، از تلاش های این رژیم برای کسب عمق راهبردی بین المللی جلوگیری شود.

فهرست منابع

منابع فارسی

- باقری دولت آبادی، علی؛ جعفری فر، احسان. (۱۴۰۲). روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان در پرتو مفهوم عمق استراتژیک. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال بیست و نهم، شماره ۱۲۳، پاییز ۱۴۰۲، صص ۳۰-۳.
- پاکدامن، محمد. (۱۳۹۹). اسرائیل؛ ادامه یا خاتمه: واکاوی گسست های درونی بحران را در رژیم صهیونیستی، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه سازان نور.
- جباریان، مهدی. (۱۴۰۳). تاریخچه کوتاه از جنگ های عربی - اسرائیلی. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۰ از پایگاه اینترنتی: <https://jabbarian.com/a-brief-history-of-the-arab-israeli-wars>
- حسینی، نسیم. (۱۴۰۳). جامعه چندپاره؛ شکاف های موجود در جامعه اسرائیل. مرکز مطالعات جهان معاصر. دویچه وله. (۲۰۲۵). کشور فلسطینی؛ چه کشورهایی به رسمیت شناخته اند و چرا مهم است؟. بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۴/۷/۲ از پایگاه اینترنتی دویچه وله به آدرس: <https://www.dw.com/fa-ir/-74109658>
- زمانیان، علیرضا؛ اسماعیلی، محسن؛ ابراهیمی، میثم. (۱۴۰۲). دفاع در عمق راهبردی ایران برای مقابله با رژیم صهیونیستی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه نظریه پردازی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲، مقاله ششم، صص ۱۳۴-۱۱۱.

- صادقی، علی؛ احمدی، سید عباس؛ حسین‌خانی، روح‌الله. (۱۴۰۰). تنگناها و چالش‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی رژیم صهیونیستی. فصلنامه جغرافیا، دوره ۱۹، شماره ۶۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۸۳-۹۸.
- صفاتاج، مجید (۱۳۹۱). دانشنامه صهیونیسم و اسرائیل. نشر آرون، چاپ دوم، جلد ۴.
- محمدی، برسام. (۱۴۰۳). تحلیلی بر طرح رژیم صهیونیستی برای احداث گذرگاه داوود. شورای راهبردی روابط خارجی. بازیابی شده در ۱۴۰۴/۶/۱ از پایگاه اینترنتی شورای راهبردی روابط خارجی به آدرس: <https://www.scfr.ir/fa/300/30101/312999>
- نیکو، حمید؛ سویلی، مرتضی. (۱۳۹۶). جایگاه برنامه هسته‌ای ایران در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۶.
- یورونیوز. (۲۰۲۵). اتحادیه اروپا پیشنهاد کاهش روابط تجاری با اسرائیل و تحریم وزرا را به دلیل جنگ غزه مطرح کرد. بازیابی در تاریخ ۱۴۰۴/۶/۳۱ از پایگاه اینترنتی یورونیوز به آدرس: <https://parsi.euronews.com/2025/09/17/eu-proposes-curbng-israel-trade-sanctioning-ministers-over-gaza-war>
- منابع انگلیسی
- Atashjameh, Mehran (2025). Iran-Israel Conflict Long-Distance Rivalry, Strategies, Toolkits, and Struggle for Penetrating Rival's Strategic Depth. Institute of New Europe. Retrieved at August 15, 2025 from Institute of New Europe web site: <https://ine.org.pl/en/iranisrael-conflict-long-distance-rivalry-strategies-toolkits-and-struggle-for-penetrating-rival82117s-strategic-depth/>
- Bajoghli, Narges & Nasr, Vali (2024). How the War in Gaza Revived the Axis of Resistance. Foreign Affairs. Retrieved at September 23, 2025 from: <https://www.foreignaffairs.com/united-states/how-war-gaza-revived-axis-resistance>
- Bar, Kim (2024). Aspects of the Formation of Israel's National Security Doctrine. Dado Center for Interdisciplinary Military Studies, Israel Ministry of Defense Press. Retrieved at August 27, 2025 from: <https://www.idf.il/media/jerbuj2c/israel-s-national-security-doctrine-oct-2024.pdf>
- Belfer Center (2016). Deterring Terror; How Israel Confronts the Next Generation of Threats. Belfer Center for Science and International Affairs.
- Bergman, Ronen (2018). Rise and Kill First. Random House, United States.
- Cropsey, Seth (2014). "Strategic Depth & Israel's Maritime Strategy", Real Clear Defense, Retrieved at 10 July, 2025 from: https://www.realcleardefense.com/articles/2014/02/20/strategic_depth_israels_maritime_strategy_107098.html
- CSIS (2021). Missile Defense Project, Missiles of Israel, Missile Threat. Retrieved at 3 Aug, 2025 from: <https://missilethreat.csis.org/country/israel/>
- Eisenkot, Gadi & Siboni, Gabi (2019). Guidelines for Israel's National Security Strategy. The Washington Institute for Near East Policy. Retrieved at August 10, 2025 from: <https://www.washingtoninstitute.org/media/4613>
- Ekholm, Anders (2024). Wizards of depth – Israel's area of operations and lessons learned from its depth dimension. Routledge, Defence Studies, Vol. 24, No. 1, pp. 1-24.
- France 24 (2025). Twelve-day war: Impact of Iran's strikes censored by Israel. Retrieved at September 15, 2025 from: <https://www.france24.com/en/middle-east/20250805-twelve-day-war-impact-of-iranian-strikes-censored-israel>

- Freedman, Guy (2017). Iranian Approach to Deterrence: Theory and Practice. Comparative Strategy, Volume 36, No. 5, 400-412.
- Friedman, B.A. (2022). Reconnaissance-Strike Tactics and Maneuver Warfare I Theory and practice. Marine Corps Gazette.
- Gallup (2025). 32% in U.S. Back Israel's Military Action in Gaza, a New Low. Gallup. Retrieved at September 24, 2025 from: <https://news.gallup.com/poll/692948/u.s.-back-israel-military-action-gaza-new-low.aspx>
- Grau, Lester W. & Bartlesi, Charles K. (2018). The Russian Reconnaissance Fire Complex Comes of Age: Changing Character of War Centre, Pembroke College, university of Oxford. Retrieved at August 25, 2025 from: <https://www.ccw.ox.ac.uk/blog/2018/5/30/the-russian-reconnaissance-fire-complex-comes-of-age>
- Haifa Port (2024). Haifa Port - Looking to the future. Retrieved at September 17, 2025 from: <https://www.haifaport.co.il/wp-content/uploads/2024/12/booklet-en-1.pdf>
- Harkavy, Robert (2001). Strategic Geography and the Greater Middle East, Naval War College Review: Vol. 54: No. 4. Retrieved at August 20, 2025 from: <https://digitalcommons.usnwc.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2534&context=nwc-review>
- Hayman, Tamir; Yavne, Ram & Kurz, Anat (2023). Strategic Survey for Israel 2023. The Institute for National Security Studies (INSS).
- IDF (2024). Our Soldiers. Retrieved April 19, 2024 from IDF web site: <https://www.idf.il/en/mini-sites/our-soldiers/>
- INSS (2025). Operation Rising Lion: War Dashboard. Retrieved at 17 Aug, 2025 from: <https://www.inss.org.il/publication/iran-real-time/>
- Ishfaq, Sarmad (2023). Israel's Strategic Depth: History & The 2023 Gaza War. Paradigm Shift. Retrieved at July 30, 2025 from: <https://www.paradigmshift.com.pk/strategic-depth/>
- Israel Hayom (2025). Iranian strike exposes critical infrastructure vulnerabilities across Israel. Retrieved at September 10, 2025 from: <https://www.israelhayom.com/2025/08/18/iranian-strike-exposes-critical-infrastructure-vulnerabilities-across-israel/>
- Global Fire Power (2025). 2025 Military Strength Ranking. Retrieved at August 1, 2025 from: <https://www.globalfirepower.com/countries-listing.php>
- Goldenberg, Ilan & et al. (2020). Countering Iran in the Gray Zone: What the United States Should Learn from Israel's Operations in Syria. Center for New America Security (CNAS).
- Gov.il (2021). Israel - Size and Dimension. Retrieved at 1 Aug, 2025 from: <https://www.gov.il/en/pages/israel-size-and-dimension>
- Kassin, Dylan & Pollock, David (2022). Arab Public Opinion on Arab-Israeli Normalization and Abraham Accords. Washington Institute for Near East Policy. Retrieved at September 20, 2025 from: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/arab-public-opinion-arab-israeli-normalization-and-abraham-accords>
- Knesset News, (2024). Approved in first reading: Extension of compulsory military service for men to 36 months, until 2029. Retrieved August 4, 2025 from knesset web site: <https://main.knesset.gov.il/en/news/pressreleases/pages/press18724r.aspx>
- Mikaelian, Shoghig (2010). Israeli Security Doctrine between the Thirst for Exceptionalism and Demands for Normalcy. Center European Journal of International and Security Studies, Volume 1, Issue 2.
- Ortal, Eran (2022). Turn on the Light, Extinguish the Fire: Israel's New Way of War. War on the Rocks. Retrieved at August 20, 2025 from: <https://warontherocks.com/2022/01/turn-on-the-light-extinguish-the-fire-israels-new-way-of-war/>

- Peled, Anat (2025). Israel's War on Iran Is Costing Hundreds of Millions of Dollars a Day. Wall Street Journal. Retrieved at August 20, 2025 from Wall Street Journal web site: <https://www.wsj.com/world/middle-east/israels-war-on-iran-is-costing-hundreds-of-millions-of-dollars-a-day-1d360353>
- Robinson, Kali (2023). What to Know About the Arab Citizens of Israel, Council on Foreign Relations. Retrieved August 30, 2025 from Council on Foreign Relations web site: <https://www.cfr.org/backgrounder/what-know-about-arab-citizens-israel>
- Sampson, Eve (2024). How Israeli Forces Destroyed a Secret Weapons Facility in Syria. The New York Times. Retrieved at 26 July, 2025 from: <https://www.nytimes.com/2024/09/13/world/middleeast/israel-raid-syria-hezbollah.html>
- Schadlow, Nadia (2025). The importance of strategic depth. Engelsberg Ideas. Retrieved at July 30, 2025 from: <https://engelsbergideas.com/notebook/the-importance-of-strategic-depth/>
- Schmitt, Olivier (2020). Wartime paradigms and the future of western military power. International Affairs, Oxford University Press, The Royal Institute of International Affairs, vol. 96, n. 2.
- Shelah, Ofer & Valensi, Carmit (2023). The Campaign between Wars at a Crossroads. Institute for National Security Studies (INSS). Retrieved at July 23, 2025 from: https://www.inss.org.il/wp-content/uploads/2023/11/Memo_227_ShelahValensi_ENG.pdf
- Times of Israel (2025). Cost of damages from Iran war forecast at double October 7 and ensuing attacks. Retrieved at September 19, 2025 from: <https://www.timesofisrael.com/cost-of-damages-from-iran-war-forecast-at-double-october-7-and-ensuing-attacks/>
- Tokmajyan, Armenak (2025). Israel's Ring of Buffer Zones. Carnegie Endowment.
- Waltz, Kenneth N. (1986). Anarchic Orders and Balances of Power. In Robert, Keohane (ed.). Neorealism and Its Critics. New York: Columbia University Press.
- War Power Israel (2025). Israeli Armed Forces (Manpower). Retrieved at 1 Aug, 2025 from: <https://www.warpowerisrael.com/manpower.php>
- Wimmen, Heiko; Wood, David & Zonszein, Mairav (2024). Israel Invades Lebanon: Precursors, Prospects and Pitfalls. International Crisis Group. Retrieved at 25 July, 2025 from: <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/east-mediterranean-mena/israelpalestine-lebanon/israel-invades-lebanon>
- YouGov (2025). Net favourability towards Israel reaches new lows in key Western European countries. YouGov. Retrieved at September 24, 2025 from: <https://yougov.co.uk/international/articles/52279-net-favourability-towards-israel-reaches-new-lows-in-key-western-european-countries>

